

جزوه روش رشد

«ویژه اساتید طرح»

پایگاه مقاومت شهید انجوی شمرک زیباشهر
حوزه کمیل

رشد در شجره طیبه صالحین به چه معناست؟



هر چند تا کنون در تعریف مراحل سه گانه اجرای فرایند صالحین، مرحله رشد را، مرحله اصلی در بین مراحل جذب و تثبیت و رشد دانستیم، اما به دلیل آنکه مفهوم مرحله رشد در روانشناسی تربیتی برای مقاطع زمانی کوتاه مدت به کار می‌رود و رشد انسان در جریان صالحین، در واقع در طول پروسه‌ی حیات او و در دراز مدت صورت می‌پذیرد، از این پس، برای شناسایی مفهوم رشد در این اساس، با گذشت مراحل جذب و تثبیت که نهایتاً یکسال و اندی زمان می‌برد متربی تا رسیدن به مرحله مربی‌گری و تا هر وقت که در مسجد حضور می‌یابد در واقع در حال گذراندن دوره‌ی رشد است.

البته باید توجه داشته باشیم که این برداشت، بر اساس نظریه‌ای است که برای رشد و تعالی انسان حد یقفی قائل نیست و اثبات می‌کند که انسان می‌تواند حتی به مرتبه‌ای برسد که به قول شاعر:

تا به جایی رسد که می‌نرسد

پای اوهام و پایه افکار

به عقیده روانشناسان علوم تربیتی؛ رشد دارای انواع و جنبه‌های متفاوتی است که شناخت هر یک از این جنبه‌ها و کیفیت خاص آن، بطور قطع و یقین مریبان و سرگروه‌های صالحین را در رسیدن به اهداف رشد در گروه کمک خواهد کرد.

به هر حال در وهله نخست، وقتی از رشد صحبت به میان می‌آید معمولاً دو نوع آن مورد بررسی قرار می‌گیرد: یکی رشد طبیعی و دیگری رشد محیطی.

رشد طبیعی و رشد محیطی

رشد طبیعی یا نضج، با رشد جسمی و عصبی (بیولوژیک) کودک و نوجوان سر و کار دارد که معمولاً به یادگیری و تجربه بستگی ندارد اما بر خلاف رشد طبیعی، رشد محیطی معمولاً در اثر تجربه و یادگیری در محیط پیرامون صورت می‌پذیرد.

رشد روانی

البته در این میان، روانشناسان تربیتی همچنین از رشد اصطلاحاً با عنوان «رشد روانی» یاد می‌کنند که این تعبیر، برای بکارگیری در سیر تربیتی صالحین مناسب‌تر می‌باشد. در رشد روانی معمولاً به جنبه‌ها و ابعاد مختلف رشد انسان، بخصوص رشد عقلانی یا ذهنی، عاطفی یا هیجانی، اجتماعی و اخلاقی توجه می‌شود.

هدف نهایی در جریان شجره طیبه صالحین

چنین به نظر می‌رسد که اگر منظور از رشد را در جریان صالحین، همان رشد روانی بگیریم پس بر این اساس؛ دستیابی به چهار سطح متفاوت از رشد، یعنی همان سطوح عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی هدف نهایی ما در جریان صالحین است که تلاش برای رسیدن به آن درست بمثابه تلاش برای تربیت انسان‌هاست.

در مفردات راغب اصفهانی، لغات «رشد» و «رشد» هر دو به معنای هدایت و رستگاری و در نقطه مقابل واژه «غی» به معنای ضلالت و گمراهی به کار رفته‌اند. چنانچه قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (سوره بقره/۲۵۶)

«کار دین با اجبار نیست (بلکه) راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده است».

اما به هر حال، از آنجا که در آیه شریفه «و لقد اتینا ابراهیم رشد من قبل» در استعمال کلمه رشد، رشد طبیعی حضرت ابراهیم مد نظر قرار گرفته لذا راغب در مفردات، رشد را مربوط به امور دنیوی و اخروی هر دو بر شمرده ولی «رشد» را صرفاً مختص امور اخروی می‌داند. قرآن کریم نیز در این باره توصیه می‌کند که نزول رحمت الهی و زمینه‌سازی برای رشد را همواره از درگاه ایزد منان طلب نمایید، آنجا که می‌فرماید:

«ربنا آتنا من لدنک رحمه و هیئ لنا من امرنا رشدًا» (سوره کهف/۱۰)

«پروردگارا ما را از نزد خویش رحمتی عطا فرما و برای ما در کارمان رشد و تعالی مهیا ساز».

در هر صورت و در این مجال، لازم به یادآوری است که در جریان پیاده‌سازی سیر تربیتی صالحین در مسجد، مراد از رشد، همان هدایت و سعادت و کمال و تعالی معنوی افراد می‌باشد که در بخش‌های دیگر سایت به تفصیل بدان خواهیم پرداخت.

مراحل رشد از منظر اسلام



آدمی از آن زمان که پا به عرصه حیات می‌گذارد تا هنگامی که به درجه کمال برسد همواره مراحل متوالی و بهم پیوسته‌ای از رشد را پشت سر می‌گذارد که می‌توان آن‌ها را به منزله‌ی فصل‌هایی از تاریخ حیات او قلمداد کرد. مراحل این رشد؛ گرچه به ظاهر متوالی، مستمر و یکنواخت به نظر می‌رسد ولی در حقیقت، هر مرحله از مرحله‌ی دیگر متفاوت است و در هر یک از این مراحل، انسان دارای ساختمان روانی خاصی می‌گردد که در رفتار او متبلور است. بنابراین، تربیت در صورتی صحیح و ثمر بخش خواهد بود که بر اساس مراحل رشد صورت پذیرد.

هر چند مراحل رشد از دیدگاه اندیشمندان علوم تربیتی؛ نوعاً چهار، پنج یا شش مرحله می‌باشد؛ اما از منظر اسلام، رشد سه مرحله هفت ساله دارد که تا بیست و یک سالگی به نقطه اوج می‌رسد.

در وسایل الشیعه؛ روایتی از امام صادق علیه السلام، نقل شده که می‌فرمایند: **پسر بچه هفت سال بازی می‌کند، و هفت سال قرآن (یا خواندن و یا نوشتن) می‌آموزد و ادب می‌آموزد، و سپس هفت سال او را ملازم و همراهت ساز؛ اگر به راه آمد رستگار گردید (چه بهتر) و گرنه در او خیری نیست.**

همچنین، در روایت ارزشمند دیگری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در این باره آمده است که:

«فرزند هفت سال آقا و سرور است، هفت سال بنده است و هفت سال وزیر. اگر در بیست و یک سالگی از اخلاق او راضی بودی که بسیار خوب و مطلوب است و گرنه او را واگذار که در پیشگاه خدای متعال معذوری» (وسایل الشیعه/ج ۱۵/ص ۱۹۵)

همانطور که مشاهده شد در این دو روایت شریف و ارزشمند؛ تربیت انسان از تولد تا بیست و یک سالگی، در سه مرحله گنجانده شده و برای هر سه مرحله، مدت زمان یکسان، یعنی هفت سال در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

۱. مرحله اول: مرحله بازی و سیادت، از تولد تا هفت سالگی

۲. مرحله دوم: مرحله آموختن قرآن، خواندن و نوشتن و ادب آموزی از هفت سالگی تا چهارده سالگی

۳. مرحله سوم: مرحله وزارت و مشارکت در امور و آموختن حقوق و احکام از چهارده سالگی تا بیست و یک سالگی

بر این اساس و مطابق با آموزه‌های تربیتی دینی، پرواضح است که مربی صالحین بیشتر با مرحله دوم و سوم رشد از دیدگاه اسلام، یا همان مراحل تعلیم و تربیت و نیز مرحله عمل و مشاوره سر و کار دارد، پس بنابراین، هر چند در حلقه‌های تربیتی صالحین، می‌توان رده‌های سنی از هفت تا هفتاد سال را پوشش داد اما در این میان، عمده‌ترین وظیفه مربی و سرگروه صالحین، تلاش برای رشد و تعالی افراد، در همان محدوده‌ی سنی هفت تا بیست و یک سال می‌باشد.

راه رسیدن به رشد و تعالی در اسلام



هر چند تربیت انسان کامل، یکی از اهداف نهایی طی مسیر رشد در جریان صالحین است اما از آنجا که توان مربی گری افراد مختلف با یکدیگر متفاوت است و نیز ظرفیت مخاطبان یا همان اعضای حلقه‌های تربیتی حتماً با هم تفاوت دارد،

پس دستیابی به این هدف؛ یعنی تربیت انسان کامل، از همان ابتدا، مد نظر قرار نمی‌گیرد. ولی در عین حال، دانستن این نکته همواره ضرورت دارد که در شریعت آسمانی اسلام، نقطه پایانی طی مسیر رشد، رسیدن به مرتبه کمال انسانی است. استاد شهید مرتضی مطهری؛ انسان کامل را، انسان نمونه، انسان والا و انسان اعلا می‌داند و در معرفی انسان کامل می‌گوید: انسان کامل کسی است که در همه ارزش‌های انسانی، هماهنگ با هم و در حد اعلا رشد کرده باشد.

استاد شهید، به بهانه همین بحث؛ از رشد کاریکاتوری سخن به میان آورده و افرادی را که تنها یک بعد از ابعاد انسانی‌شان رشد کرده باشد و یا تنها به یکی از صفات شایسته اخلاقی آراسته شده باشد صاحبان چنین رشدی می‌داند.

همچنین در کتاب انسان کامل؛ استاد مطهری، به موضوع جزر و مد صفات اخلاقی در جامعه نیز اشاره شده و این مطلب در واقع جزء موانع اصلی رسیدن به کمال در انسان معرفی شده است. همچنین شهید مطهری در ادامه راه مقابله با این مشکل را رساندن افراد به مرزهای تعادل در اخلاق بر می‌شمرد.

حال به جهت اهمیت این موضوع، در این بخش ابتدا به بررسی راه‌های رسیدن به کمال از منظر شریعت آسمانی اسلام می‌پردازیم و سپس رشد مطلوب ویژه اعضاء در حلقه‌های تربیتی صالحین را با یکدیگر به اجمال مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

همانگونه که قبلاً گفتیم قرآن کریم؛ رشد را در نقطه مقابل «غی» به معنای ضلالت و گمراهی به کار برده است، آنجا که می‌فرماید:

«قد تبین الرشد من الغی»

و به دیگر سخن آنکه از منظر اسلام، طی مسیر هدایت و راهیابی به مرتبه والای رستگاری و سعادت، در واقع هدف اصلی سپری کردن دوره رشد در حلقه‌های تربیتی صالحین است.

وظیفه اصلی سرگروه شجره طیبه صالحین

هدایت؛ یعنی نشان دادن راهی که به هدف انسان منتهی شود و ضلالت؛ یعنی عدول از صراط مستقیم.

بر این اساس، مربی صالحین موظف است تلاش نماید تا خودش و اعضای گروهش را همواره در صراط مستقیم نگه دارد. قرآن کریم؛ حاصل مجاهدت در راه حق را، شناخت راه‌های رسیدن به خدا می‌داند، چنانچه می‌فرماید:

«والذین جاهدوا فینا لنهدينهم اقته»

«آنان کسانی بودند که خدا خود آنان را هدایت کرد و تو نیز از راه آنان پیروی نما».

حال بر این اساس، اگر بپرسید رسیدن به مرتبه‌ای که بتوان در آن تحت هدایت خداوند رحمان قرار گرفت چگونه است؟ در پاسخ به این سؤال، باز هم یادآور می‌شویم که تنها با مجاهدت در راه حق، رعایت تقوای الهی، تلاش برای اصلاح نفس و عمل به نسخه شفابخش قرآن مجید می‌توان شایسته هدایت پروردگار شد.

اصولا قرآن کریم، خودش یکی از عوامل اصلی رشد یا هدایت انسان هاست و از همین روست که می‌فرماید:

«ذلک الكتاب لا ریب فیه، هدی للمتقین» (سوره بقره/۲)

«این کتاب بی‌هیچ شک‌ی هدایتگر پرهیزگاران است»

پس همانطور که پیشتر گفتیم در این آیه‌ی شریفه، شرط بهره‌مندی از هدایت قرآن مجید، رعایت تقوی الهی و پرهیزگاری و پاکی است و از آنجا که فاعل این پرهیزگاری و پاکی همواره خود انسان است و انسان خود، عامل اصلی هدایت و ضلالت در زندگی خویش است.

پس درمطالب بعدی، به بیان برخی عوامل هدایت و ضلالت از منظر اسلام می‌پردازیم تا بر این اساس، مربی صالحین برای طی مسیر رشد، تا حدودی با برخی موانع و راهکارهای پیش رو آشنا گردد.

برخی عوامل ضلالت و گمراهی



مربی باید شاخصه‌های تشخیص حق از باطل را به متریبان بازگو نماید و نیز یادآور شود که هر کس در هر زمان، متناسب با این شاخصه‌ها و در مسیر حق گام بردارد، به میزان نزدیکی‌اشبه حق و حقیقت؛ قابلیت پیروی و تبعیت دارد و در غیر این صورت راهرو مسیر باطل است و نمی‌تواند هدایت‌گر رشد و صلاح دیگران باشد.

در زیر به برخی از عوامل ضلالت و گمراهی از منظر قرآن می‌پردازیم که انشاءالله راه‌گشای سرگروه‌ها و مربیان برای اداره هر چه بهتر حلقه‌های طرح شجره طیبه صالحین باشد:

۱) تبعیت از هوای نفس

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«افرایت من اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه» (سوره جاثیه/۲۳)

«ای رسول ما می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داد و خدا او را دانسته گمراه ساخته و مهر بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشید».

۲) نسیان و غفلت از پروردگار عالمیان

چنانچه قرآن کریم در این باره فراموشی یاد خدا را یکی از عوامل اضلال و گمراهی بشر بر شمرده و می‌فرماید:

«و روزی که این مشرکان را با معبودانی که بجای خدا پرستیده‌اند به عرصه قیامت محشور گردانند آنگاه بدان معبود

گوید آیا شما بندگان مرا از راه بردید؟ یا خود به راه ضلالت شتافتند؟» (سوره فرقان / ۱۷)

در ادامه و در آیه بعد می‌فرماید:

«...تو این کافران را متمتع گردانیدی تا آنکه از فرط سرگرمی به دنیای پست، ذکر تو را فراموش کردند».

همچنین در این باره رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز مرگ دلها را ناشی از فراموشی خدا می‌داند و می‌فرماید:

«بذكر الله تحیی القلوب و بنسیانها موتها» (تنبیه الخواطر / ص ۳۶۰)

«در سایه توجه به خدا دلها زنده می‌شوند و در نتیجه فراموشی خدا می‌میرند».

بر این اساس، مربی صالحین باید همواره تلاش کند تا بین متریبان و خدا پیوند برقرار کند و به اصطلاح آنان را با خدا آشتی دهد.

۳) دوستی با افراد گمراه

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«روزی فرا خواهد رسید که مردم ظالم پست دست حسرت به دندان گرفته و می‌گویندای کاش با رسول حق راه

دوستی پیش می‌گرفتیم»

و

«یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلاً» (سوره فرقان / ۲۸)

«وای من، ای کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتیم».

۴) پیروی از بزرگان جامعه

پیروی از بزرگان جامعه که مسیر را اشتباه رفته‌اند نیز موجب خواهد شد که انسان خود، انتخاب راهش را بر عهده نگیرد و

کورکورانه از دیگر افراد جامعه تبعیت کند. به تعبیر قرآن:

«و قالوا ربنا إنا اطعنا سادتنا و كبرائنا فأضَلّونا السبيل» (سوره احزاب/ ۶۷)

«روز قیامت برخی افراد که دچار عذاب می‌شوند می‌گویند خدایا ما از بزرگان پیروی کردیم و گمراه شدیم.»

بنابراین مربی صالحین باید سعی کند تا همواره افراد را با معیارهای اساسی انتخاب درست آشنا کند و قواعد و ملاک‌های کلی تشخیص حق از باطل را به آنان بیاموزد. بعنوان مثال، متریبان باید بدانند که ملاک درست تشخیص حق از باطل، هرگز افراد و شخصیت‌ها نیستند و چه بسا ممکن است برخی افراد که سوابق درخشانی هم در گذشته انقلاب داشته‌اند اکنون راه را به خطا رفته و مسیر درست را در پیش نگرفته باشند. پس بر این اساس، تبعیت از آنان ما را به گمراهی بکشاند.

به دیگر سخن آنکه، مربی باید شاخصه‌های تشخیص حق از باطل را به متریبان بازگو نماید و نیز یادآور شود که هر کس در هر زمان، متناسب با این شاخصه‌ها و در مسیر حق گام بردارد، به میزان نزدیکی‌اشبه حق و حقیقت؛ قابلیت پیروی و تبعیت دارد و در غیر این صورت راهرو مسیر باطل است و نمی‌تواند هدایت‌گر رشد و صلاح دیگران باشد.

عوامل رشد و هدایت



هر چند تربیت انسان کامل، یکی از اهداف نهایی طی مسیر رشد در جریان صالحین است اما از آنجا که توان مربی‌گری افراد مختلف با یکدیگر متفاوت است و نیز ظرفیت مخاطبان یا همان اعضای حلقه‌های تربیتی حتماً با هم تفاوت دارد، پس دستیابی به این هدف؛ یعنی تربیت انسان کامل، از همان ابتدا، مد نظر قرار نمی‌گیرد. ولی در عین حال، دانستن این نکته همواره ضرورت دارد که در شریعت آسمانی اسلام، نقطه پایانی طی مسیر رشد، رسیدن به مرتبه کمال انسانی است.

عوامل رشد و هدایت

در زیر به برخی از عوامل رشد و هدایت از منظر قرآن می‌پردازیم. امید است که راه‌گشای مربیان و سرگروه‌های شجره طیبه صالحین قرار گیرد:

۱- مجاهدت در راه حق

۲- کسب تقوای الهی

۳- آمادگی برای پذیرش حق و حقیقت

قرآن کریم در خصوص ضرورت پذیرش حق و حقیقت و نقش آن در راهیابی به مسیر هدایت می‌فرماید:

«الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه، اولئک الذین هداهم و اولئک هم اولوالالباب» (سوره زمر/ ۱۸)

«کسانی که سخن بشنوند و به نیکوتر آن عمل کنند، آنان را خدا به لطف خاص خود هدایت می‌نماید و آنان به حقیقت خردمندان عالمند».

۴- ایمان به خدا و هجرت و جهاد فی سبیل الله

قرآن کریم در این زمینه نیز می‌فرماید:

«والذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون» (سوره توبه/ ۲۰)
«آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند، آنان را نزد خدا مقام بلندی است و ایشان رستگاران دو عالمند».

در خاتمه این بحث و به جهت اهمیت موضوع، به بیان سه ویژگی رفتاری کسانی که در گرداب ضلالت و تاریکی غرق شده‌اند و بر خلاف مسیر رشد حرکت کرده‌اند، می‌پردازیم:

الف- غفلت از آیات الهی و تفکر نکردن در عظمت هستی

ب- دل‌بستگی به مادیات و راضی شدن به زندگی دنیا

ج- نسیان و فراموشی آخرت و محاسبه روز جزا

رشد عقلانی، محور اول رشد در طرح صالحین



برای رسیدن به رشد عقلانی در شجره طیبه صالحین حتما باید قدرت تفکر، تامل و تدبر اعضای حلقه تربیتی شجره طیبه صالحین را با برنامه ریزی صحیح افزایش داد.

بر این اساس در این دوره، تقویت روحیه پژوهش و تحقیق در افراد و نیز تلاش برای برقراری انس و الفت متریان طرح شجره طیبه صالحین با کتاب و مطالعه، از اهم وظایف مربی شجره طیبه صالحین در مسیر ارتقای سطح اندیشه مخاطبان می‌باشد.

یکی از راه‌های تعمیق اندیشه و تامل ورزی و خردمندی در افراد مختلف، ایجاد فرصت تامل و تفکر برای آن‌ها، در خلال برگزاری جلسات شجره طیبه صالحین است که البته برای این کار، مربی می‌تواند مثلاً بعد از طرح موضوع بحث، از متریبان بخواهد که دقایقی پیرامون این موضوع فکر کنند و یا اینکه با طرح سؤال و ترغیب افراد به مشارکت در مباحث، قدرت تحلیل و اندیشه آنان را بالا ببرد.

بزرگی می‌گفت:

«در آموزش به افراد؛ اگر چیزی را به کسی گفتی، یادش می‌رود؛

اگر یاد دادی، شاید به خاطر آورد؛

اما اگر درگیرش کردی هرگز فراموش نمی‌کند».

همچنین در این زمینه، برگزاری مراسم بزرگداشت اندیشمندان مسلمان در مسجد و محله و در مناسبت‌های خاص سال، تا حدی می‌تواند عاملی موثر در ترغیب متریبان و اعضای گروه، نسبت به پاسداشت عقل و اندیشه باشد. بعنوان مثال، اگر در سال روز شهادت استاد مطهری (ره)، مجلس با شکوهی بر پا گردد و در آن افرادی صاحب نظر، پیرامون اندیشه‌های استاد، سخنرانی کنند، قطعاً جوانان و نوجوانان، بطور ناخودآگاه مشتاق الگوپذیری از این بزرگان خواهند شد. چنانکه اگر در این جلسه، مثلاً گفته شود که شهید مطهری در بیان خاطراتش می‌گوید:

«گاهی از فرط خستگی چشم‌هایم نمی‌دید و گوش‌هایم نمی‌شنید و پاهایم توان تحمل وزن بدنم را نداشت».

و یا در مناسبت دیگری پس از زمینه‌سازی مناسب در جمع اعضای حلقه تربیتی این مطلب بازگو شود که علامه شهید، محمد باقر صدر، در سن هجده سالگی، شبانه روزی شانزده ساعت مطالعه می‌کرد، خود به خود اعضای گروه به تفکر و اندیشیدن و مطالعه و تلاش ترغیب و تشویق می‌شوند.

در این خصوص، یکی از مربیان خوش ذوق صالحین در یکی از مساجد مشهد مقدس می‌گفت: ما با هدف ارتقای فرهنگ مطالعه در افراد، روش «مطالعه بالینی» و یا همان «کتاب درمانی» را در حلقه‌های تربیتی صالحین اجرا کرده‌ایم.

در این روش، متریبان سعی می‌کنند خط به خط یک کتاب مفید را بخوانند، مطالب مهمش را از بر کنند و سپس با راهنمایی یک مربی آگاه و با بصیرت، به حاشیه زدن آن کتاب، مرتبط با هر پاراگراف پردازند تا به این ترتیب بتدریج آن کتاب، برای آن‌ها تبدیل به یک نسخه شفابخش معنوی و یا یک دفترچه راهنمای معالجه بالینی در مواقع نیاز و ضرورت گردد.



جوانی و نوجوانی سن افزایش شدت هیجانات در افراد است و عواطف انسانی در این سن، اگر کنترل و هدایت نشود، گاه در دام جهت گیری‌های تند و افراطی گرفتار می‌آیند و گاه نیز بی‌اثر و خنثی به خاموشی می‌گرایند. جوانان و نوجوانان، نیازمند برنامه ریزی دقیق برای رشد عاطفی هستند، رشدی که به آنان تعادل روحی و روانی ببخشد، خواهش‌ها و نیازهای متضادشان را برآورده سازد و احساسات پاکشان را به سمت و سوی مناسبی هدایت کند. جوانی، سن دلبستگی‌ها، سن افراط و تفریط‌ها و سن نواسانات شدید عاطفی از سکون و خمودی و سردی، تا طغیان و دگرگونی و انقلاب و انفجار است.

در جوانی، عواطف و احساسات نیز همگی جوان و پویا و در کارند، پس بنابراین حتما لازم است که در جریان صالحین، همواره تلاش شود تا عواطف پر شور جوان و نوجوان؛ توسط مربی و سرگروه، با برنامه ریزی صحیح و مناسب کم کم به حد اعتدال برسد و بتوانیم در پایان این مرحله، عواطف شخصی و خصوصی جوان را از مرحله‌ی «پست شدن» و «ادنی ماندن» به مرتبه «عالی شدن» و «متعالی بودن» سوق دهیم و تلاش کنیم که مبدا لذت‌ها و سودهای کم قیمت زندگی جوان و نوجوان، خدای ناکرده متوقفش کند و راه تحول و تعالی را به رویش ببندد. جوان قدرت عمل دارد تا با عمل خویش برای خود صفت و خوی بسازد و بنیان اعتقادی و شخصیت فکری خود را پایه ریزی کند. پس حال از آنجا که دینداری و رشد عواطف انسانی در جوان و نوجوان، همیشه مرهون اصل «سعی و جهاد» است.

برای اساس، مربی صالحین باید برای رساندن اعضای گروه به رشد عاطفی مطلوب، همواره هدایت و رهبری جوانان و نوجوانان را در مسیر «سعی و جهاد» بر عهده بگیرد، جهادی که در راه مبارزه با «نفی‌ها و نقص‌ها» طرح ریزی و پایه ریزی شود و سعی‌ای که در راه «رشد و تحول و تعالی» انسان است.

جوانان بیشترین گروندگان به راه حق

بهر حال، یادمان باشد که در تاریخ ادیان آسمانی و انبیای الهی، همواره می‌شود که جوانان و نوجوانان، اولین و بیشترین گروندگان به راه حق و حقیقت بوده‌اند.

چنانچه در ایران اسلامی نیز جوانان مومن و انقلابی، که عواطف انسانی ارزشمند و والایی دارند در تمامی عرصه‌ها، گره گشای مشکلات بوده‌اند و مثل دوران دفاع مقدس که سراسر جبهه‌های حق علیه باطل، مملو از جوانان و نوجوانان پر شور و انقلابی

بود، اکنون نیز در جبهه جهاد فرهنگی و مقابله با جنگ نرم دشمنان این مرز و بوم، اکثر مخاطبان حلقه‌های تربیتی و دلسوزان جریان صالحین در کشور جوانان و نوجوانان می‌باشند.

لزوم طراحی فرایند تربیتی خاص برای حلقه صالحین

در هر صورت، برای رساندن جوانان و نوجوانان به مرحله بلوغ عاطفی و رشد احساسی در حلقه‌های تربیتی صالحین، حتما لازم است که از همان ابتدا، بسته‌های تربیتی مشخصی تدوین گردد و مربی تلاش کند تا برای رساندن اعضای گروه به مرحله نهایی رشد عاطفی، فرایند تربیتی خاصی را طراحی، تدوین و دنبال نماید.

پرورش حس نوع دوستی در حلقه‌ی صالحین

به عنوان مثال، مربی می‌تواند برای پرورش حس نوع دوستی در اعضای گروه، موضوع بحث در یک جلسه حلقه تربیتی را این شعر سعدی قرار دهد که می‌گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی ببرد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

سپس از متربیان بخواهد مظاهر نوع دوستی را در زندگی خود در چند پاراگراف نوشته و در جلسه بعد ارایه نمایند.

همچنین در آخرین مرحله اجرای این فرایند تربیتی می‌توان کمک‌های غیر نقدی اهالی محل به مستمندان را، توسط اعضای حلقه صالحین؛ در مناطق محروم شهر توزیع کرد و یا با اعضای گروه به بازدید و سرکشی از محل نگهداری کودکان بی‌سرپرست، یتام و یا معلولان رفت.

دوستی می‌گفت: مربی یکی از مساجد موفق صالحین، با هدف رشد عاطفی اعضای گروه و ترغیب آنان به صلح و دوستی و برادری و اخوت، دست به ابتکار عملی جالبی زده بود که می‌تواند الگوی مناسبی برای دیگران نیز قرار گیرد و آن ابتکار جالب این است که سه نفر از اعضای حلقه صالحین، بصورت داوطلبانه و خود جوش، تیم «اصلاح ذات البین» پایگاه را تشکیل داده‌اند که کارشان تلاش برای رفع کدورت‌های احتمالی بین اعضا و آشتی دادن افرادی است که احیانا با یکدیگر قهر کرده‌اند. این افراد همچنین با فضا سازی تبلیغاتی، انتشار بروشور و جزوه و سایر نشریات آموزشی از این قبیل، تلاش می‌کنند که فضای اخوت و برادری و دوستی، همواره در گروه پایدار بماند. بعنوان مثال بر روی یک مقوای بزرگ؛ جملات ذیل را، به عنوان شعار هفته، می‌نویسند و در معرض دید اعضای حلقه قرار می‌دهند:

«أئما المومنون اخوه»

«همانا مومنان با یکدیگر برادرند».

متحد جان‌های شیران خداست / جان گرگان و سگان از هم جداست

بهر حال در خاتمه این بحث، علاوه بر این می‌توان از سایر مولفه‌های دیگر اثر گذار در زمینه رشد عاطفی، همچون تقویت روحیه فتوت و جوانمردی، زنده کردن حس حقیقت‌طلبی و حق‌جویی، ایثار و گذشت، ملاحظت و نرمی نیز برای رساندن اعضای حلقه‌های تربیتی صالحین به مرحله نهایی رشد عاطفی یاری گرفت.

رشد اجتماعی، محور سوم رشد در طرح صالحین



برخی صاحب‌نظران معتقدند که اطلاق کلمه انسان، به این موجود دو پا و مستوی القامه؛ در اصل به دلیل نیازمندی اولیه او، به انس و الفت با سایرین است زیرا کلمه انسان از ماده انس و الفت گرفته شده است.

مشهورترین نظریه اندیشمندان علوم اجتماعی در این خصوص آن است که انسان موجودی مدنی بالطبع است و به طور فطری و ذاتی خواهان حیات اجتماعی است. انسان در اجتماع زاده می‌شود، در اجتماع رشد می‌کند و به تعالی می‌رسد، در اجتماع ادامه حیات می‌دهد، باقی می‌ماند و سرانجام در اجتماع از دنیا رخت بر می‌بندد. انسان؛ در خلال زندگی اجتماعی توانمندی‌ها و استعدادهای ویژه خود را کشف می‌کند و به ظهور می‌رساند و اصولاً بسیاری از توانایی‌های انسان در جمع هویدا می‌شود و قابلیت شکوفایی در انزوا را ندارد. استعداد و توانایی‌ای همچون رهبری و اداره گروه، مدیریت کارگروهی، تعاون و همیاری و سایر صفات و ویژگی‌های اجتماعی دیگر از این قبیل.

در مباحث گذشته، مربوط به رشد عاطفی گفتیم که رساندن مرتبی به تعادل عاطفی و احساسی، همواره از اصلی‌ترین اهداف سیر تربیتی صالحین در مرحله رشد است. در این بخش هم به دلیل اهمیت موضوع، این نکته را یادآور می‌شویم که رسیدن به مرحله تعالی انسانی در طول حیات همیشه نیازمند وجود عنصر تعادل و تعامل در کنار هم و به یک‌اندازه در زندگی تک تک افراد است و درست بر همین اساس است که گفته می‌شود:

«از تعامل با تعادل به تعالی می‌رسیم»

البته در این میان، پر واضح است که عنصر تعادل؛ مربوط به زندگی فردی افراد و رشد عاطفی آنهاست و عنصر تعامل نیز مربوط به زندگی اجتماعی ایشان و حضور آنان در جمع است.

بر این اساس، برای رساندن متریان به بلوغ و رشد اجتماعی در سیر تربیتی صالحین، لازم است ابتدا، چهار اصل اساسی زندگی اجتماعی از منظر اسلام را در این مجال با یکدیگر مرور کنیم و پس از آن به بیان اهداف و راهکارهای اساسی رشد اجتماعی، مختص اعضای حلقه‌های تربیتی صالحین پردازیم.

اصول زندگی اجتماعی در اسلام

۱- احترام به انسان‌ها بر اساس فضایل اخلاقی و تقوای الهی

قرآن کریم، ملاک برتری انسان‌ها را تقوی و آراستگی به فضایل اخلاقی دانسته و می‌فرماید:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا اکرمکم عندالله اتقیکم»

«ای مردم ما همه شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را بصورت اقوام و قبایل در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید.

براستی که گرامی‌ترین افراد نزد خدا با تقواترین افراد است و خدا دانا و آگاه می‌باشد».

بر این اساس، فرد در جریان صالحین حتما باید به مرحله‌ای از رشد اجتماعی برسد که هرگز ملاک برتری افراد را در گروه، موقعیت اجتماعی، وضع طبقاتی، نژاد، ملیت، جنس، مقام و ثروت آنان ندانسته و توجهش را تنها به انسانیت و تقوی و رعایت اصول اخلاقی و ایمانی معطوف بدارد.

۲- رعایت عدالت در مناسبات اجتماعی

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله شهدا بینکم بالقسط و لا یجرمنکم شئنان قوم علی ان لا تعدلوا، اعدلوا هو اقرب للتقوی و

اتقوا لله ان الله خبیر بما تعملون»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در راه خدا پایدار باشید و گواه عدالت باشید. نباید دشمنی با گروهی شما را از عدالت

باز بدارد، عدل را رعایت کنید زیرا عدالت بر تقوا نزدیکتر است، در برابر خدا تقوا را مراعات کنید زیرا خداوند از

آنچه شما انجام می‌دهید آگاه است».

در این آیه شریفه، دو ملاک مهم و اساسی برای رسیدن به رشد اجتماعی یادآور شده است:

اول آنکه رعایت عدالت به تقوا نزدیکتر است

و دوم آنکه نباید دشمنی با گروهی شما را از عدالت باز دارد

۳- مسئول بودن در قبال مشکلات مسلمین

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«من اصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم»

«کسی که روزش را آغاز کند و در حل مشکلات مسلمانان اقدام ننماید مسلمان نیست».

۴- اصل تعاون و همکاری و اصل مشاوره در حل و فصل امور

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

«تعاونوا على البر والتقوى»

«در امر نیک و تقوی با یکدیگر همکاری نمایید».

چنانچه در آیات مربوط به مشورت می خوانیم:

«و شاورهم فی الامر»

«در امور با مردم مشورت کن»

و نیز آمده است:

«و امرهم شوری بینهم»

«حل و فصل امور از طریق شورای میان آنها صورت می پذیرد».

اکنون و با استناد به چهار اصل اساسی زندگی اجتماعی در اسلام، به دلیل ضرورت تحقق رشد اعضای گروه در زمینه‌های اجتماعی، به بیان پنج هدف عمده رشد اجتماعی اعضای حلقه‌های تربیتی صالحین می پردازیم:

هدف اول: پرورش روحیه دفاع از قسط و عدالت در جامعه و پاسداری از ارزش‌ها و آرمان‌ها.

هدف دوم: پرورش روحیه التزام عملی به قانون و رعایت حقوق دیگران.

هدف سوم: پرورش روحیه مسئولیت پذیری، اهتمام به امور اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های دینی و اجتماعی.

هدف چهارم: تقویت روحیه گذشت، فداکاری و ایثار در روابط جمعی و مقدم شمردن مصالح جمعی در جامعه بر منافع فردی.

هدف پنجم: ایجاد روحیه محبت و دوستی و کمک به حق طلبان، عدالت خواهان، مظلومان و مستضعفان عالم و نیز انزجار و نفرت از مستکبران و ستمکاران و استثمارگران عالم مطابق با ارزش‌های اسلامی.

برخی راهکارهای رشد

برای ترغیب اعضای حلقه‌های تربیتی صالحین به تعاون و همکاری و دگرپاری انسانها، می‌توان هر از گاهی مشارکت آنان را در امور خیریه و عام المنفعه شهر و دیارشان فراهم آورد و ایشان را بعنوان مثال در گروه‌های «تعاون و همیاری»، و یا «یاری رسانی به نیازمندان» و نیز «کمک به آسیب دیدگان» و «جشن نیکوکاری» و امثال آن، سازماندهی کرده و در مواقع لازم و ضروری بصورت نمادین، در برنامه‌های مرتبط با این موضوع شرکت داد.

علاوه بر این مربی صالحین می‌تواند به منظور ارتقاء سطح تعالیم مثبت افراد با گروه و نیز توانمندسازی آنان در انجام فعالیت‌های جمعی، اجرای برخی برنامه‌های مذهبی و انقلابی اثرگذار همچون اعیاد و وفیات، راه پیمایی روز قدس، مراسم بزرگداشت رحلت امام راحل (ره) و از این قبیل را، به اعضای حلقه‌های تربیتی صالحین بسپارد.

البته برای افزایش روحیه مشارکت جمعی و انجام کار گروهی می‌توان اجرای برنامه‌هایی از قبیل؛ اردوهای تفریحی فرهنگی، برگزاری مسابقات ورزشی، جنگ شادی، نماز جماعت، دعا و اجرای سایر برنامه‌هایی از این دست را به اعضای حلقه‌های تربیتی صالحین و شرکت کنندگان در اردو محول کرد.

چنانچه در این باره، یکی از مربیان حلقه‌های تربیتی صالحین می‌گفت: «با اعضای گروه قرار گذاشته است که همه آن‌ها پنج شنبه آخر هر ماه را روزه بگیرند و هزینه نهار و تغذیه طول روزشان را به مستمندان کمک کنند».

رشد اخلاقی، محور چهارم رشد در طرح صالحین



به دلیل آنکه اکثر ملاک‌ها و معیارهای رشد افراد که تا اینجا بیان شد، قبلاً نیز در مرحله تثبیت؛ توصیه و تاکید شده بود، یادآوری این نکته ضرورت دارد که در مرحله تثبیت، اعضای حلقه تربیتی، تنها با ملاک‌ها و معیارهای رشد، آشنایی اجمالی پیدا می‌کنند و زمینه‌سازی لازم برای انجام این دستورات در آن‌ها صورت می‌پذیرد، اما در این مرحله، یعنی در مرحله رشد؛ آن‌ها به انجام دستورات مربوط به رشد و شکوفایی در زندگی انسان در طول حیات، ترغیب و تشویق می‌شوند و با کمک مربی و سرگروه بتدریج راهکارهای رشد و تعالی و ارتقاء و کمال را در گروه تمرین می‌کنند. بگونه‌ای

که در دوره رشد، رفتار نیک در افراد، ابتدا بصورت عادت در می‌آید و سپس با تکرار و تمرین و با مرور زمان، به شکل ملکه رفتاری در ایشان در خواهد آمد.

به دیگر سخن آنکه، مرحله تثبیت، مرحله «اینگونه گشتن» بود، اما دوره رشد دوره «اینطور شدن» است و اصولاً در مفهوم کلمه‌ی رشد به خودی خود ایصال به مطلوب و دستیابی به هدف نیز وجود دارد.

بعنوان مثال و در جریان صالحین، کسی که به مرتبه رشد اخلاقی رسیده باشد خودش می‌تواند پس از آن مربی یا سرگروه یک حلقه تربیتی جدید صالحین باشد و دیگران را در رسیدن به مسیر رشد و تعالی و سعادت و کمال یاری نماید.

درست به همین دلیل است که در رسیدن به مرحله رشد اخلاقی؛ حتماً لازم است که مربی، خود بیش از همه متخلق به اخلاق اسلامی باشد و از همین روست که گفته می‌شود آموزش دین و اخلاق به دیگران، مربی می‌خواهد نه آموزگار، معلم و یا مدرس.

مربی همچنین در طرح ریزی رشد اخلاقی و کمال و تعالی اعضای حلقه‌های تربیتی صالحین، در واقع همکار خدا به شمار می‌آید، خداوند بلند مرتبه‌ای که همگی او را به عنوان «رب العالمین» می‌شناسند.

پس باید به اصول و قواعد این همکاری پایبند و آگاه باشد. همچنین در این خصوص، چنین به نظر می‌رسد که برای رسیدن به رشد مطلوب اخلاقی و تربیتی اعضای گروه، ابتدا لازم است مربی و سرگروه هدف مشخصی را برای خود مشخص نماید و بر اساس آن گام بر دارد. حال به جهت آنکه در حلقه‌های تربیتی صالحین قرار است روش‌های تربیتی مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) جاری گردد و در این راه افراد مومن مجاهد و مسلمان مسجیدی تربیت شود پس بنابراین می‌توان اهم اهداف رشد اخلاقی انسان را در این مرحله، بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی، به شرح ذیل بر شمرد.

برخی اهداف رشد اخلاقی در حلقه‌ی صالحین

- ۱- خود شناسی با هدف خدانشناسی و اصلاح نفس.
- ۲- رشد فضایل و مکارم اخلاقی، بر اساس ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی.
- ۳- پرورش روحیه تعبد آگاهانه، مداومت بر ذکر خدا و تقید عملی به انجام احکام و دستورات دینی.
- ۴- ایجاد احساس کرامت اخلاقی و عزت نفس و نیز پرورش روحیه نظم و انضباط در افراد.
- ۵- رسیدن به مرحله تعادل در زندگی و هدفدار کردن تربی در طول دوران حیات.

بعنوان مثال و به منظور آشنایی اعضای گروه با عظمت خالق هستی و پروردگار بی‌همتا، مربی می‌تواند متریبان را به جمع آوری آیات قرآن و روایات اسلامی با موضوع معرفی شگفتی‌های آفرینش و شناخت قدرت و عظمت خداوند متعال،

ترغیب و تشویق نماید و یا در شرایط مناسب، با پخش فیلم‌هایی همچون مستند اسرار و شگفتی‌های آفرینش و از این قبیل، ذهن افراد را با این مسئله مهم و حیاتی درگیر نماید.

علاوه بر این، برای تشویق اعضای حلقه تربیتی به انجام احکام و دستورات شرعی و سایر فرایض دینی، مربی می‌تواند در مراسمی همچون مراسم جشن تکلیف و امثال آن، افراد را با کتب و منابع فقهی، رساله عملیه مراجع و نیز نحوه استفاده از آن آشنا نماید.

چندی پیش در بازدید و سرکشی از حلقه‌های صالحین یکی از شهرستان‌های استان، مسئولان صالحین گزارش دادند که در یکی از مساجد موفق شهر؛ مربیان دلسوز و آگاه، با هدف رشد اخلاقی و تعالی و کمال متریان، اقدام به تشکیل «کارنامه اخلاقی» برای تک تک اعضای گروه کرده‌اند، به این شکل که در پایان هر فصل، خبر تجدید شدن افراد را در بعضی از صفات نیک و پسندیده، بصورت محرمانه به آن‌ها متذکر می‌شوند و وقتی کسی را در آستانه مردودی می‌بینند، درست مثل طیبی دلسوز و آموزگاری مهربان، برایش نسخه معالجه درمانی خاص می‌پیچند، به معالجه و درمانش می‌پردازند، کلاس تقویتی برایش ترتیب می‌دهند و سعی می‌کنند که با تذکار و یادآوری و توصیه و ترغیب معنوی آنان را به حرکت واداشته و در مواقع لازم با تمام توان یاریشان نمایند که حتی الامکان واحدهای درسی این ترم کلاس اخلاق را، در آینده با موفقیت پشت سر بگذارند.

در خاتمه در این خصوص، یادآوری این مهم ضرورت دارد که تذکر اخلاقی و توصیه کلامی به جوانان و نوجوانان، اگر دلسوزانه و درست صورت پذیرد همواره بیشترین اثر تربیتی را در اصلاح اخلاقی متریان دارد و این دیگر هنر مربی است که بتواند در صحبت‌های خصوصی و تذکرات فردی، مخاطب را نسبت به ضعف‌های اخلاقی‌اش آشنا نموده و برای رفع آن راهکاری عملی و قابل اجرا ارائه نماید.

رشد اعتقادی، محور پنجم رشد در طرح صالحین



نقطه اوج رسید به رشد اعتقادی انسان، از منظر اسلام، دستیابی به نگرش توحیدی و قرار گرفتن در مدار خدا محوری و معاد باوری است.

اعتقاد عملی به استراتژی توحیدی «انا لله و انا الیه الراجعون»، انسان را به مسیر سعادت و رشد هدایت می‌کند چرا که چنین انسانی به خوبی می‌داند عمل به هر دستور الهی در این مسیر، یعنی یک گام به نجات و رستگاری نزدیک‌تر شدن و در مقابل ترک هر گناه و نافرمانی و عصیان نیز یعنی یک قدم از مسیر ضلالت و گمراهی دور گردیدن.

مربی صالحین وقتی می‌تواند از تلاش اعضای حلقه تربیتی در راستای رشد و تعالی اعتقادی، دینی و معرفتی آنان، رضایت خاطر داشته باشد که افراد بتوانند توحید را اثبات کنند، به شناخت لازم در رابطه با اصول اعتقادی اسلام همچون نبوت، معاد، عدل و امامت رسیده باشند، با صفات ثبوتیه و سلبيه خداوند متعال تا حدودی آشنا شده و فلسفه توسل و توکل را در زندگی بدانند، کسانی که با فرهنگ انتظار و نیز وظایف منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت آشنایی لازم را پیدا کرده‌اند.

همچنین، یکی دیگر از مهمترین مولفه‌های اصلی تشکیل دهنده رشد اعتقادی در انسان، تلاش برای باورمندی و التزام عملی افراد به تبعیت عملی از ولایت فقیه و آشنایی با این جایگاه خطیر است.

اعتقاد به ولایت فقیه، نقطه اوج باورمندی اعتقادی افراد به حاکمیت اسلام است چرا که اعتقاد به اسلام، بدون اعتقاد به ولایت فقیه، به منزله‌ی اعتقاد به شریعت آسمانی، منهای حق حاکمیت خداست.

حال از آنجا که همواره مسئله اعتقاد به ولایت فقیه، جزء اصلی‌ترین عوامل حفظ و تداوم انقلاب در بیش از سه دهه‌ی گذشته بوده است دشمنان این نظام مقدس نیز در طول این سال‌های متمادی، بیش از همه، این اصل اساسی و مهم را هدف قرار داده و تلاش می‌کنند با شبهه افکنی و القائات باطل و بی‌پایه و اساس پایه‌های اعتقاد به ولایت فقیه را در اذهان جوانان و نوجوانان متزلزل و ضعیف نمایند.

براین اساس، اکنون بیش از همیشه، رسالت دینی و انقلابی مربی صالحین ایجاب می‌کند که مسئله ولایت فقیه را بصورت مستدل و علمی، برای اعضای گروه اثبات کنند و آن را حتماً با مسئله ولی فقیه و لزوم تبعیت از دستورات او آشنا سازد. بعنوان مثال، مربی می‌تواند در وهله‌ی نخست، با هدف اثبات ولایت فقیه بصورت استدلالی و مفید، جلسه میز گردی با حضور صاحب نظران در مسجد تشکیل دهد و یا احادیث و روایات مرتبط با این مطلب را، موضوع پژوهش و تحقیق گروه قرار داده و از سخنرانان برجسته در این زمینه دعوت کند تا در محیط مسجد و پایگاه، مسئله ولایت فقیه را در بخوبی تبیین و تعریف نمایند.

پس از آن، وقتی اعضای حلقه تربیتی، به شناخت و معرفت لازم در این خصوص دست یافتند حال با هدف برقراری ارتباط عاطفی با ولی فقیه، مثلاً می‌توان مسابقات انشای با موضوع «چرا رهبرم را دوست دارم؟»، و یا مسابقات ارسال پیامک کوتاه، تدوین دلنوشته، نامه‌ای به رهبر و از این قبیل در این باره ترتیب داد.

علاوه بر این، مربی می‌تواند با تشکیل گروه‌های سرود، تواشیح، همخوانی و امثال آن و یا به شکل ارائه فرصت قرائت دکلمه با موضوع عشق به رهبری، در ابتدای جلسات حلقه‌های تربیتی به اعضای گروه، مبحث و ارادات درونی آنان را به امام و مقتدایشان بیشتر نماید.

کارمربی در تربیت سربازان ولایت و در جریان صالحین؛ در واقع **بمنابه‌ی تکثیر و تربیت «هل و فیت» گویانی است درست مثل زید در جریان کربلا و درست مثل میثم تمار؛ بربلندای چوبه دار، که با جان نثاری و ایثار و با تمام وجود در این راه ثابت قدم ماندند و جان دادند.**

در هر صورت و در پایان این فصل، به جهت اهمیت موضوع، این نکته را متذکر می‌شویم که در بعضی مساجد و پایگاه‌های موفق و پیشتاز صالحین امروزه، تبدیل شدن متربیان و اعضای گروه به مرحله مربی‌گری و سرگروهی و یا پذیرفتن مسئولیت انجام یک کار در پایگاه و مسجد و نیز انس و الفت گرفتن فرد با فرهنگ و ارزش‌های بسیج و بسیجی و پیدا کردن روحیه جهادی و نیز رسالت‌مندتر شدن افراد نسبت به دفاع از انقلاب و آرمان‌های امام (ره) و شهیدان در واقع نقطه اوج دوره رشد اعضای حلقه تربیتی صالحین در آن مسجد و پایگاه به شمار می‌آید بگونه‌ای که اکنون نیز این نگرش ارزشمند و این دیدگاه ایده آل و مطلوب، هدف نهایی ما در توصیه به انجام فرآیند صالحین در سایر مساجد و پایگاه‌های کشور می‌باشد.

نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می‌شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد، تفنگ او، قلم اوست. مثل جنگ نظامی چشم‌ها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. اگر ندانید که دشمن دارد کار می‌کند، یا از آن می‌داند فرمان نبرید، از فرمانده فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد پشت سرش شکست است.

مقام معظم رهبری (حدیث ولایت / ج ۴ / ص ۱۶۶)